



یکی از قدیمترین منابع ادبیات تصوفی ایران

نوشته دکتر میکانیل بایرام

استاد تاریخ قرون وسطی در دانشگاه سلجوق
قونیه - ترکیه

امروز در میان کتابهای خطی کتابخانه قره‌مان که نام قدیمش لارنده است کتابی فارسی العبارة هست. نسخه خطی اش در سال ۶۷۳ (۱۲۷۵) هجری به وسیله داود بن عبدالعزیز بن قره‌گوزالجزی استنساخ شده است. از اسم نسبتی اش معلوم می‌شود که مستسخ اهل گنجه بوده است^۱، ولی نمی‌توانیم ادعا کنیم که این نسخه در گنجه به وجود آمده است. شاید که این شخص از گنجه به قره‌مان یا جایی دیگر رفته و این کتاب را در آنجا استنساخ کرده است. در این نسخه در اول کتاب مقداری نقص وجود دارد. از این سبب اسم کتاب و مؤلفش معلوم نمی‌شود.

این کتاب از جهت ترتیب شبیه کتاب حکایت الصالحین^۲ عثمان بن عمر الکهف است. ولی تقریباً چهار برابر از آن بزرگتر است. بیست سال قبل این کتاب را پیدا کردیم. تا امروز غیر از نسخه قره‌مان یک نسخه‌اش را نیز در قونیه در کتابخانه یوسف آغا زیر شماره ۶۸۵۲ ثبت کرده‌ایم. این نسخه به وسیله شمس‌الدین بن محمد بن محیی‌الدین در سال ۸۷۱ (۱۴۶۷) هجری از نسخه قره‌مان استنساخ شده است. به غیر از این دو نسخه نسخه‌ای دیگر پیدا نکردیم. از نتیجه بررسی‌هایم معلوم شده است که این کتاب یکی از قدیمی‌ترین منابع ادبیات تصوفی ایران است. در این مقاله، این کتاب ناشناخته و نامتداول اولین بار به وسیله بنده معرفی می‌شود. قبل از تعیین ماهیت این اثر ضروری ندارد اگر موقعیت نسخه‌های خطی‌اش توصیف گردد.

۱. توصیف نسخه کتابخانه قره‌مان در شماره ۲

وسط جلد کتاب شمس‌دار و کنارهایش مزین به جدولهای متعدد به طرز سلجوقی و با جلد چرم سیاه (جلد طرف رویش ندارد) دارای ۱۳۱ ورق است. ابعاد خارجی‌اش ۱۶۸×۲۴۳ میلی‌متر و داخلی ۱۴۷×۲۱۵ میلی‌متر است در هر صفحه‌اش بین ۲۳ تا ۲۷ سطر با خط نسخ نوشته شده است. عنوانها با قلم کلفت و قرمز نوشته شده است. کاغذش آبدی و آهاردار است.

از کتیبه‌اش معلوم می‌شود که این نسخه در آخرین روزهای ماه رمضان سال ۶۷۳ (۲۸-۱۹ مارس ۱۲۷۵) به وسیله داود بن عبدالعزیز بن قره‌گوزالجزیری (گنجوی) استنساخ گردیده است.

اولش با جمله «کرمانی (ابراهیم) رحمه الله علیه در بادیه شد مریدی با وی بود» شروع می‌شود و آخرش با جمله «یا امیر المؤمنین بدان خدای کی محمد را برآستی بر خلق فرستاد اگر من بر تو چیزی می‌بینم...» به پایان می‌رسد.

کتیبه‌اش همچنین است: وقع الفراغ من نسخة هذا الكتاب يوم الجمعة في خاتم شهر المبارك رمضان سنة ثلث و سبعين و ستمائة و كتب بخط العبد الضعيف المذنب المقرّب ذنبه داود بن عبدالعزیز ابن قراگوزالجزیری اللهم اغفر لمن قرأ و لمن نظر فيه.

۲. توصیف نسخه یوسف آغا در شماره ۶۸۵۲

پشتش چرم‌دار جلد مقوایی پارچه‌دار و با شیرازه و مقلب‌دار است و دارای ۱۲۴ ورق است.

خارجش به ابعاد ۱۸۰×۲۶۸ میلی‌متر و داخلش به ابعاد ۱۲۵×۲۰۳ میلی‌متر است و در هر صفحه‌اش ۲۳ سطر با خط نسخ وجود دارد. عنوانها با خط قرمز نوشته شده است. کاغذش ضخیم و در رنگ مختلف می‌باشد. در کنار صفحه‌هایش گاه‌گاه تصحیحات دیده می‌شود. این نسخه در اواخر ماه رمضان سال ۸۷۱ (۲۵ نisan - ۴ مه ۱۴۶۷) در روز یکشنبه به وسیله شمس‌الدین بن محمد بن محیی‌الدین استنساخ گردیده است.

اولش چنین است: ای جوان عتاب با کی میکنی گفت فتح بینی...
آخرش هم به این شکل است: یا مؤمن از آشنائی یافتی خبر و بر شیطان یافتی ظفر...
والله اعلم بالصواب والله مرجع والمآب.
ترقیمه‌اش همچنین است: قد وقع الفراغ من نسخة هذا الكتاب في يوم الاحد في عشر آخر رمضان المبارك من يد العبد الضعيف... شمس‌الدین بن محمد ابن محیی‌الدین غفرالله له...
فی تاریخ احدی و سبعین و ثمانمائه.

۳. زمان تألیف و ماهیت اثر

در مورد زمان تألیف و مؤلف این اثر هیچ اطلاعی در دست نداریم ولی تکیه‌هایی هست که در مورد زمان تألیف این اثر تخمینی بزنیم.

اولاً نسخه موجود در کتابخانه قره‌مان در سال ۱۲۷۵/۶۷۳ استنساخ گردیده است. روشن است که این کتاب قبل از این تاریخ تألیف شده است. بعلاوه در این اثر روایات و حکایات زیادی از متصوفین و تجربه‌های ایشان و از بزرگان اسلام نقل گردیده است. تمام این اشخاص قبل از قرن چهارم و در اوائل قرن چهارم زیسته‌اند. مثلاً در این اثر به اسم هیچ‌یک از صوفیان قرون پنجم و ششم و هفتم هجری بر نمی‌خوریم. این وضع نشان می‌دهد که این اثر بعد از نیمه دوم قرن چهارم تألیف شده است. از طرف دیگر موضوعات به دست آمده در این اثر اکثراً به موضوعات کتاب *التعرف لمذهب اهل تصوف ابو بکر محمد الکلاباذی* (۹۹۰/۳۸۰) تعلق دارد. *التعرف* که دارای ۷۷ باب می‌باشد این کتاب ۷۶ باب است. خلاصه در این اثر هر یک از موضوعات *التعرف* با ده حکایت شرح گردیده است. با این وضع می‌توانیم حدس زنییم که این اثر حداقل در اواخر قرن چهارم هجری تألیف گردیده است. ولی ادعای تألیف آن در داخل قرن چهارم هجری مشکل است. زیرا در این قرن هنوز در زمینه تصوف اثرهای نوشته شده به فارسی به این حجم دیده نمی‌شود. از این جهت شاید قبول کنیم که در قرن پنجم یا بعد از آن تألیف شده است.

متصوف معروف علی بن عثمان الهجویری (۱۰۷۷/۴۷۰) در اثر خود به نام کشف‌المحجوب به کرات از اثری به نام حکایات منقبه‌ها و سخنها نقل کرده است. هجویری همان اثر را در چند جا به نام «حکایات عراقیان» یاد کرده است.^۳ هجویری ازین اثر بسیار استفاده کرده، ولی مؤلفش را معلوم نکرده است. دانشمند روسی و ژوکوفسکی که کشف‌المحجوب را نشر کرده است مقدمه‌ای به این کتاب نوشته است. ژوکوفسکی در این مقدمه چنین می‌گوید: «یکی از منابع مهم هجویری کتاب حکایات است ولی ما تا امروز این کتاب را پیدا نکرده‌ایم و معلوم نیست که این چه کتابی است و از آن کیست»^۴ یعنی کتاب را و مؤلفش را تثبیت ننموده است. کتاب حکایات یا حکایات عراقیان همان کتاب است که ما سعی در شناساندن و توصیف آن می‌کنیم. زیرا گفته‌های هجویری را که به جمله‌های «در حکایات چنین دیدم» یا «در کتاب حکایات چنین یافتیم» یا «در کتاب حکایات عراقیان چنین آمده است» در این کتاب می‌یابیم. ولی ما در این مقاله در موقعیتی نیستیم که این حکایتها را تک‌تک نشان بدهیم. این قدر می‌توانیم بگوییم که هجویری هر چه از این اثر نقل قول کرده به عبارات اثر وابسته نشده است فقط مضمونهایش را در اثرش درج کرده است.

این وضع به صورت واضح نشان می‌دهد که مؤلف این اثر قبل از هجویری، که در سال ۱۰۷۷/۴۷۰ وفات یافته است، زندگی می‌کرده است و بعلاوه ثابت می‌شود که این اثر بین اواخر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری تألیف گردیده است. خصوصیت زبان و اسلوب کتاب نیز به این گواهی می‌دهد.

۴. محتویات اثر

از ترتیب اثر مشخص می‌گردد که این اثر از ۷۶ باب تشکیل گردیده و در هر باب موضوعات دینی و تصوفی از قبیل خوف، توبه، مجاهده، زهد، فتوت، صبر، توکل استفاده شده است. در ابتداء بابها آیات و احادیث مربوط به موضوع به کار برده شده است. بعداً در حق موضوع نقل گردیده است. حکایتها از تجربه‌های متصوفهای دوره اول و از اجرائیات افراد سیاسی گرفته شده است. مؤلف برای توضیح دادن موضوعات اشعار عربی و فارسی هم به کار برده است.

از ترتیب اثر استخراج می‌شود که محتوی ۷۶۰ حکایت می‌باشد. با این خصوصیات در ادبیات ایران دارای بیشترین حکایت است. در کتاب *روض‌الریاحین* یافعی (۱۳۶۶/۷۶۸) که ادعا کرده اند بیشتر حکایت دارد دارای ۵۰۰ حکایت است.^۵ متأسفانه به طور معلوم هر دو

نسخه این اثر ناقص است. نسخه قره‌مان از اولش پنج باب و از وسطهایش بابهای ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۹، ۶۰ و چهار حکایت از باب ۷۶ کم است. در نسخه یوسف آغا نیز سه باب از اولش و نواقصی که در وسط نسخه قره‌مان وجود دارد در این نسخه نیز ناقص است. تا امروز به غیر از این دو نسخه به نسخه دیگری برخورد نکرده‌ایم.

۵. اهمیت علمی و تاریخی اثر

از این معلومات تاریخی آشکار می‌شود که این اثر از محصولات منثور دوره اول ادبیات تصوفی اسلامی ایران است و احتیاج به توضیح ندارد که از لحاظ فرهنگ و ادبیات ایران در نهایت درجه قابل اهمیت است. به علاوه با نقل بعضی از اخبار و تجارب دینی متصوفین از جهت تصوف و تاریخ تصوف قابل اهمیت زیادی می‌باشد. از لحاظ تحقیقات تاریخی و عرضه حکایات و حوادث سیاسی و اجتماعی مربوط به قرون دوم و سوم و چهارم نیز حائز اهمیت است. مخصوصاً برای استفاده از توسعه فرهنگ عالم اسلام این اثر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای تشخیص عواملی که باعث ظهور حرکت تصوف شد و علمی که جنبش تصوف را توسعه داد این اثر منبع خوبی است. به طور خلاصه به هر حال محققان در بررسیهای خودشان باید این منبع را مورد استفاده قرار دهند. با این تلاش برای اولین دفعه اثری چنین مهم را به عالم علم می‌شناسانیم.

۶. علت مجهول ماندن این اثر

گمان می‌بریم که پی بردن به علت مجهول ماندن این اثر و به علت آن که چرا در حالت نسخه‌های محدود به امروز رسیده مشکل است. در صفحه آخر نسخه قره‌مان تاریخ وفات فرزندان آل قره‌مان و تاریخ بعضی حوادث نظامی و سیاسی آن زمان قید شده است. این تشبیهات نشان می‌دهد که این نسخه از بدایت آل قره‌مان در قره‌مان بوده است، و حتی احتمال هست که این نسخه در قره‌مان استنساخ گردیده و از محیط فرهنگی قونیه و قره‌مان خارج نشده است.

متأسفانه در هر دو نسخه موجود چون یکی از دیگری استنساخ گردیده است نقص وجود دارد. به این علت در حال حاضر متن کامل اثر موجود نیست. بدون شك اگر نسخه کاملی از این اثر پیدا شود معلومات ما در حق این اثر زیادتر خواهد شد. با توجه به این خصوص بعضی علت‌های مجهول ماندن این اثر را می‌توانیم حدس زنیم.

الف. چنین می نماید که اثر در يك حالت تمام نشده باقی مانده است، زیرا در بعضی بابها شماره حکایتها ناقص و در بعضی بابها بیشتر هم می باشد. مثلا در بابهای ۱۸، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۵۷ یازده حکایت، در باب ۵۰ شانزده حکایت، در باب ۷۲ نه حکایت و در باب ۷۶ شش حکایت پیدا می شود. به علاوه چنانکه در بالا اشاره کردیم نسخه موجود در کتابخانه یوسف آغا در سال ۱۴۶۷/۸۷۱ از روی نسخه قره مان استنساخ شده است. نواقص نسخه قره مان در نسخه یوسف آغا هم وجود دارد. این حالت نشان می دهد که در اثنای استنساخ هم ناقص بود. احتمالا ناتمام ماندن اثر موجب مجهول ماندنش و سبب عدم انتشارش بوده است.

ب. قدیمی بودن زبان اثر هم سبب محدود ماندن اثر بوده و هم باعث عدم استفاده از آن گردیده است.

ج. در حال حاضر ثابت شده است که هجویری از آن اثر استفاده کرده و عثمان بن عمر الکهف ترتیب کتابش به نام حکایات الصالحین را از این اثر گرفته است. باید تحقیق نمود که آیا به غیر از این دو مؤلف از قدما نویسندگان دیگری نیز از این اثر استفاده کرده اند یا نه. چون کاتب چلبی (حاجی خلیفه) که معروفترین کتابشناسان است این کتاب را ندیده است. از این حالت معلوم می شود که از قدیم الزمان نسخه هایش محدود بوده است.

یادداشتها

۱. الجنزی: معرب گنجوی است. نگاه کنید به اللباب فی تهذیب الانساب از آن ابن الأثیر الجوزی، چاپ بیروت (بی تاریخ)، جلد ۱، ص ۲۹۷.
۲. کشف الظنون، جلد ۱، ص ۴۷۶؛
۳. کشف المحجوب، نشر و ژوکوفسکی، تهران ۱۳۳۸، ص ۲۷، ۲۴۵، ۲۵۸.
۴. مقدمه کشف المحجوب، ص ۳۸.
۵. کشف الظنون حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۹۱۹-۹۱۸.